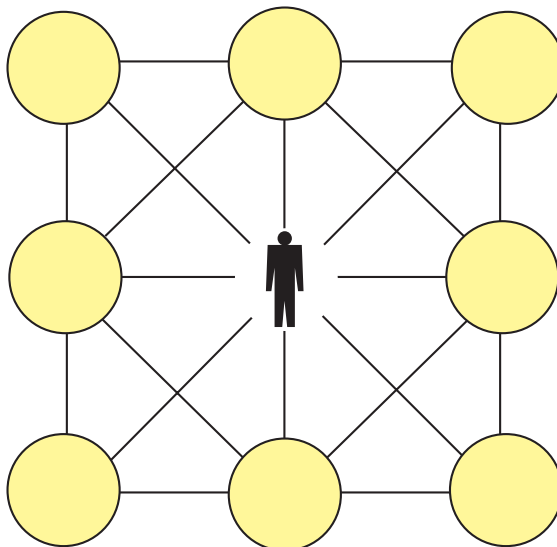


نظام اجتماعی

انتظار می‌رود دانش‌آموز در پایان این فصل بتواند :

- ۱- مفهوم «نقش اجتماعی» را شرح دهد و وابستگی متقابل نقش‌های اجتماعی را تجزیه و تحلیل کند.
- ۲- مفهوم «نظام اجتماعی» را تجزیه و تحلیل کند.
- ۳- مفاهیم «تبادل» و «عدم تبادل» را در نظام اجتماعی کل، تجزیه و تحلیل کند.
- ۴- مفاهیم «اجتماع‌پذیری» و «کنترل اجتماعی» را بداند و نحوه‌ی یگانگی فرد و جامعه را شرح دهد.
- ۵- مفهوم «درونی کردن ارزش‌ها» را تجزیه و تحلیل کند.



نقش اجتماعی

یکی از بازی‌های دسته‌جمعی، مثلاً فوتبال را در نظر بگیرید :

همه‌ی افرادی که عضو یک تیم (گروه) اند و در بازی شرکت می‌کنند، باید ارزش‌ها و الگوهای عمل بازی و تیم را بپذیرند ؛

— همکاری با بازیکنان دیگر

— پیروز از زمین بیرون آمدن

— و

ارزش‌های تیم و :

— بازی کردن در محدوده‌ی مشخص زمین (که خروج توپ از آن اوت و کرنر شناخته می‌شود)،

— توپ را با دست لمس نکردن

— هل ندادن بازیکنان دیگر و لگد و تنه زدن به آن‌ها (که انجام دادن آن خطا شناخته می‌شود)

— اعتراض نکردن به تصمیم‌های داور (که انجام دادن آن اخطار و اخراج را در پی دارد)

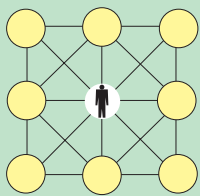
— و ...

از جمله الگوهای عمل در بازی فوتبال اند.

آیا در کنار این الگوهای عمل که همه‌ی اعضای تیم (گروه) ملزم به رعایت آن‌هایند، الگوهای عمل دیگری نیز وجود دارد که همه‌ی اعضا ملزم به رعایت آن‌ها نباشند؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش، افراد تیم یاد شده را در جایگاه‌های مختلف زیر، در نظر بگیرید :

— دروازه‌بان

— دفاع



— و ...

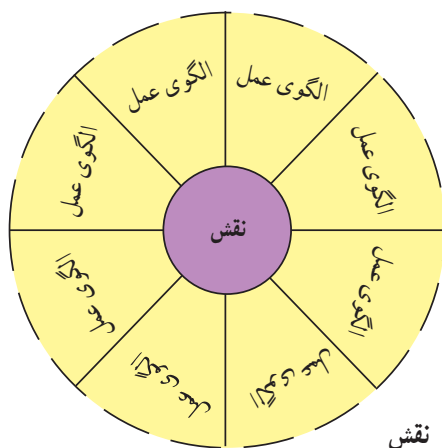
فردی که در جایگاه دروازه‌بانی انجام وظیفه می‌کند، می‌تواند در محدوده‌ی ۱۸ قدم حرکت کند و توپ را با دست بگیرد؛ درحالی که لمس توپ در این محدوده توسط افراد دیگر (دفاع، پیشرو و...)، خطا محسوب می‌شود (بنالت). حال اگر همین فرد در جایگاه دفاع در تیم باشد، باید الگوهای عمل دیگری را رعایت کند.

بنابراین، در کنار الگوهای عملی که همه‌ی اعضای گروه ملزم به رعایت آن‌هايند، الگوهای عمل دیگری نیز وجود دارد که همه‌ی اعضا ملزم به رعایت آن‌ها نیستند و تنها با قرار گرفتن در جایگاه‌های مختلف در گروه، باید آن‌ها را رعایت کنند.

در هر گروه، افراد در جایگاه‌های مختلفی قرار می‌گیرند. به هر یک از این جایگاه‌ها که افراد با قرار گرفتن در آن‌ها باید الگوهای عمل خاصی را رعایت کنند، **نقش** گفته می‌شود؛ مثلاً در تیم (گروه) فوتبال، به دروازه‌بانی، دفاع و... «نقش» می‌گویند. حال به سراغ دیگر گروه‌های جامعه می‌رویم؛ در آن‌ها نیز می‌توانید نقش‌های مختلفی پیدا کنید.

در خانواده نقش‌های :

- پدر
- مادر
- فرزند
- برادر
- خواهر کوچک‌تر
- و ...



فعالیت ۱-۲ کلاس خود را در نظر بگیرید :

۱- چهار نقش را در آن ذکر کنید.

۲- برای هریک از نقش‌هایی که نام برده‌اید، سه الگوی عمل بنویسید.

گاه نقش را خود فرد می‌پذیرد و گاه آن را به او نسبت می‌دهند. شما می‌توانید نقش معلمی، دانش‌آموزی و... را بپذیرید اما نقش دختر یا پسر بودن، گرد یا فارس بودن و... به شما نسبت داده می‌شود؛ بدون این که آن را انتخاب کرده باشید.

انتظارات نقش (حقوق و تکالیف)

شما در هر نقشی ملزم به انجام رفتار و رعایت الگوهای عمل خاصی‌اید که دیگران از شما انتظار دارند؛ مثلاً:

در تیم فوتبال هنگامی که نقش دروازه‌بان را می‌پذیرید، دیگران از شما انتظار دارند که از ورود توپ به دروازه جلوگیری کنید. در صورتی که در انجام دادن این کار کوتاهی کنید، مورد بازخواست دیگران قرار می‌گیرید.

«تکالیف» یا «وظایف» یک نقش، مجموعه‌ی رفتارها و الگوهای عملی‌اند که از فردی که آن نقش را پذیرفته یا نقش به او نسبت داده شده است، انتظار می‌رود آن‌ها را انجام دهد.

از سوی دیگر، وقتی فرد نقشی را می‌پذیرد یا آن را به او نسبت می‌دهند، انتظار دارد که دیگران نیز با او رفتار خاصی داشته باشند و الگوهای عملی ویژه‌ای را رعایت کنند. در خانواده، فرزند بزرگ‌تر انتظار دارد:

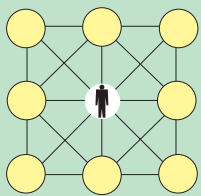
— فرزندان دیگر خانواده احترامی نه در حد والدین بلکه کم‌تر برای او قائل باشند؛

— بتواند در بعضی امور خانواده به فرزندان دیگر امر و نهی کند؛

— مورد مشورت والدین قرار گیرد؛

و... .

با توجه به مثال‌های بالا، مجموعه‌ی الگوهای عملی که فرد در نقش خاص خود انتظار دارد دیگران نسبت به او انجام دهند، حقوق آن نقش نامیده می‌شود.



فعالیت ۲-۲ نقش‌های زیر را در نظر بگیرید، دو مورد از تکالیف و حقوق هر یک از آن‌ها را نسبت به هم در جدولی مانند جدول زیر بنویسید.

۱- پدر - فرزند

۲- معلم - شاگرد

نقش	تکالیف	حقوق
پدر	۱-	۱-
	۲-	۲-
فرزند	۱-	۱-
	۲-	۲-
معلم	۱-	۱-
	۲-	۲-
شاگرد	۱-	۱-
	۲-	۲-

وابستگی متقابل نقش‌ها

اگر نقش‌ها و حقوق و تکالیف آن‌ها را در یک گروه بررسی کنید، درخواهید یافت که تکالیف یک نقش، حقوق نقش‌های دیگر و حقوق یک نقش، تکالیف نقش‌های دیگر است؛ مثلاً در خانواده، احترام به والدین که از تکالیف نقش فرزندی است، از حقوق نقش پدری و مادری شناخته می‌شود؛ هم‌چنین فراهم کردن شرایط مناسب زندگی که در خانواده وظیفه‌ی پدر شناخته می‌شود، جزء حقوق دیگر اعضای خانواده به‌شمار می‌آید.

بنابراین، می‌توان گفت: **نقش‌های مختلف در یک گروه به‌طور متقابل به یکدیگر**

وابسته‌اند.

وابستگی متقابل نقش‌ها به یکدیگر موجب می‌شود که با تغییر الگوهای عمل مربوط به یک نقش، الگوهای عمل مربوط به نقش‌های دیگر نیز تغییر کنند. هم‌چنین با افزوده شدن نقشی به مجموعه‌ی نقش‌های دیگر، الگوهای عمل آن نقش‌ها نیز تغییر می‌یابند.

فعالیت ۲-۳ نقش پدر، مادر و فرزند را در یک خانواده در نظر بگیرید؛

۱- نقش مادر بزرگ یا پدر بزرگ را به آن‌ها اضافه کنید. با مقایسه‌ی این دو حالت،

به این پرسش پاسخ دهید:

چه تغییراتی در الگوهای عمل مربوط به این نقش‌ها (پدر، مادر و فرزند) به‌وجود می‌آید؟

۲- با حذف نقش پدری یا مادری (با فوت یکی از آن‌ها) چه تغییراتی در نقش پدر یا

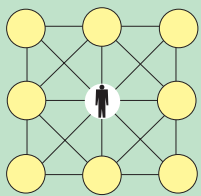
مادر و فرزند به‌وجود می‌آید؟

پیوند نقش‌ها

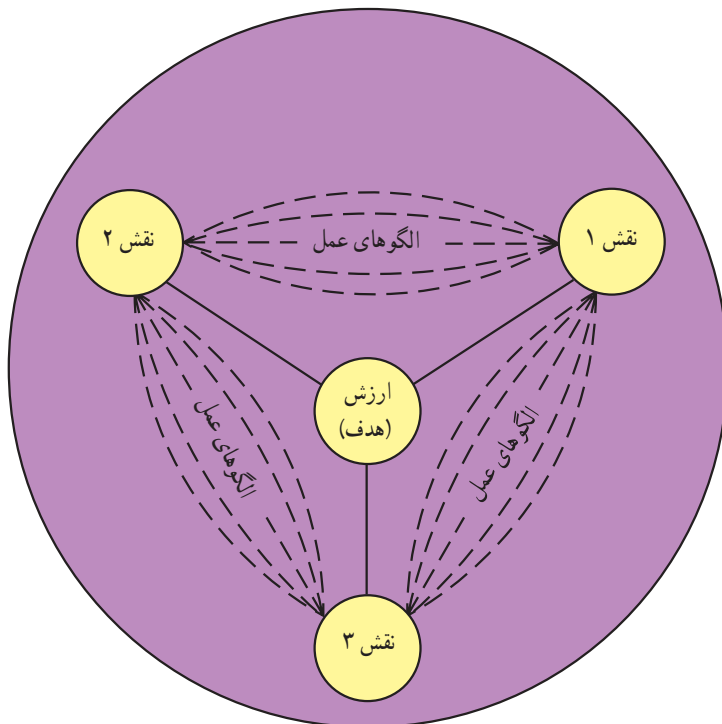
فرض کنید دانش‌آموزان کلاس شما در یک روز تعطیل برنامه‌ی کوه‌نوردی دارند یا

شما می‌خواهید با دوستانتان به کوه بروید. چنين سفری را شرح دهید و مشخص کنید آیا

طی سفر کسی به‌عنوان راهنما انتخاب می‌شود؟ آیا میان اعضای گروه تقسیم کار صورت



می‌گیرد؟ آیا در گروه هر کس نقشی را برعهده می‌گیرد؟
تشکیل جامعه و به وجود آمدن نقش‌های مختلف در آن نیز شبیه همین برنامه‌ی کوه‌نوردی است. زندگی افراد بشر همواره به صورت جمعی بوده است و آن‌ها نمی‌توانند به تنهایی زندگی کنند. تقسیم کار در جامعه برای بقای زندگی جمعی یا تحقق ارزش‌ها (رسیدن به هدف مشترک) به وجود می‌آید.



هدف، پیوند دهنده‌ی نقش‌ها

هر یک از افراد شرکت‌کننده در برنامه‌ی کوه‌نوردی نقشی برعهده دارد و متناسب با نقش خود فعالیت خاصی را انجام می‌دهد؛ اما تمام کارها برای رسیدن به یک هدف^۱ مشترک که دست یافتن به قله‌ی کوه یا تحقق ارزش‌هایی چون همکاری است، انجام می‌شود. در جامعه و گروه نیز همین‌طور است؛ هرکس نقشی دارد و متناسب با نقش خود کارهای خاصی را انجام می‌دهد اما کلیه‌ی نقش‌ها و کارها در جهت تحقق ارزش (هدف) مشترک انجام می‌شود.

۱ - هدف نوعی ارزش است که افراد آگاهانه در جهت تحقق آن تلاش می‌کنند.

فعالیت ۲-۴

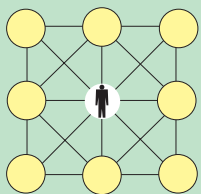
- ۱- در یک مدرسه برای تحقق هدف تعلیم و تربیت، چه تقسیم کاری انجام می‌پذیرد و چه نقش‌ها و الگوهای عملی در نظر گرفته می‌شود؟
- ۲- در انقلاب‌ها، نقش‌های بسیاری تکوین می‌یابند، سه نمونه از نقش‌هایی را که در جریان انقلاب اسلامی یا بعد از آن شکل گرفته است، ذکر کرده مشخص کنید که هر نقش برای تحقق کدام ارزش‌ها و اهداف ایجاد شده است.

آرمان اجتماعی

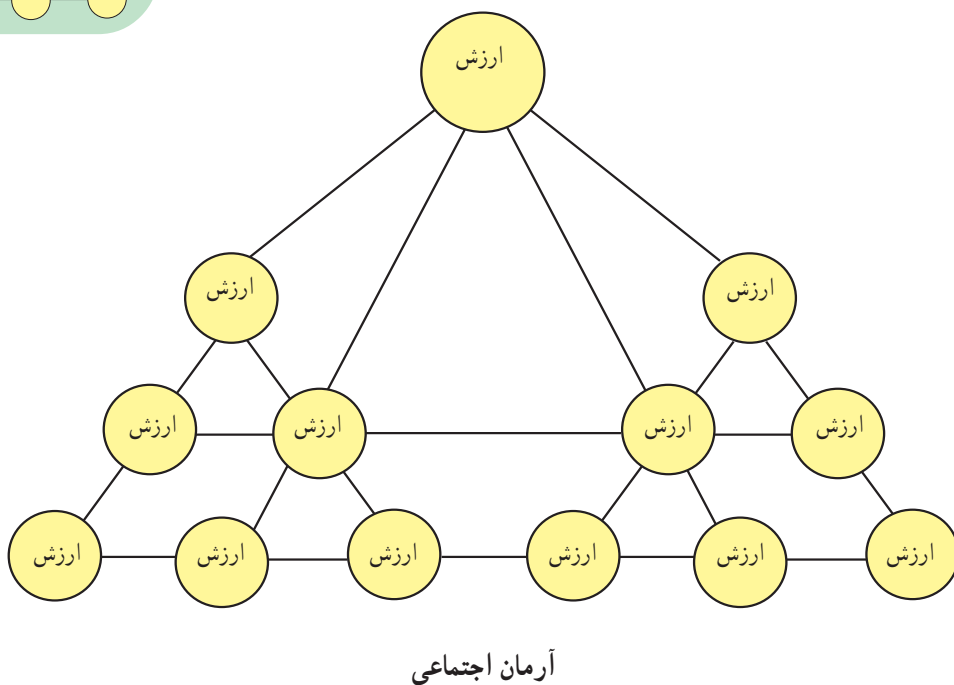
- اعضای هر گروه و جماعتی که با هم هستند، معمولاً ارزش‌های (هدف‌های) مشترکی دارند. این ارزش‌های مشترک می‌تواند اموری چون «زندگی کردن با یکدیگر»، «رفع نیازهای اولیه»، یا ارزش‌های والای انسانی چون «آزادی»، «عدالت» و «دفاع از مظلومان» باشد.
- جامعه‌ی اسلامی که بر پایه‌ی اعتقاد به خداوند یکتا شکل گرفته است.
 - همکاری افرادی که در بیابان گرفتار توفان شده یا در جنگل گم شده‌اند، برای این است که زنده بمانند.
 - قبیله‌ای که به طمع به دست آوردن غنیمت به قبایل دیگر هجوم می‌برد، در فکر تأمین معیشت اعضای خویش است.
 - افرادی که با تلاش فراوان قناتی را در دل بیابان حفر می‌کنند، این کار را با هدف بهبود زندگی خود یا افزایش بهره‌وری کشاورزی انجام می‌دهند.
 - نمونه‌های بالا گروه‌هایی‌اند که افراد آن‌ها با هدف زندگی کردن یا تحقق بخشیدن به ارزش‌های والای انسانی، کار را میان خود تقسیم کرده‌اند و هر کس نقشی را پذیرفته است.

ارزش‌های مشترکی که هر جمع و جامعه‌ای برای رسیدن به آن‌ها تلاش می‌کند، **آرمان اجتماعی**^۱ آن جمع یا جامعه نامیده می‌شود.

۱- در هر جامعه، آرمان اجتماعی یعنی تصویری از یک نظم فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... که بیش‌تر مردم آن را مرجع تنظیم رفتار خویش می‌شناسند.



آرمان اجتماعی مشخص می‌کند که چه کارهایی و چگونه باید در جامعه انجام شود.



نظام اجتماعی

شما با کلمه‌ی «نظام» و ترکیبات آن چون نظام آموزش و پرورش، نظام اداری، نظام سیاسی و... آشناید و اصطلاحاتی چون سیستم حمل و نقل، سیستم گرمایی و... را شنیده‌اید. از این اصطلاحات چه اطلاعاتی دارید؟ برای روشن‌تر شدن بحث، فعالیت زیر را انجام دهید.

فعالیت ۵-۲ یکی از نظام‌هایی را که با آن آشنایید، انتخاب کنید و موارد زیر را مانند نمونه بررسی کنید:

۱- عناصر مختلف آن را تعیین کنید.

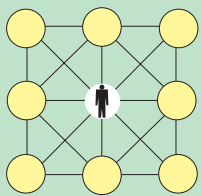
۲- رابطه‌ی متقابل این عناصر را با یکدیگر مشخص کنید.

۳- معین کنید که هر یک از این اجزا در این مجموعه چه کاری انجام می‌دهد و چه اثری بر کل نظام دارد.

۴- تغییر هر یک از اجزا بر اجزای دیگر چه تأثیری دارد؟

نظام	عناصر	آثار و نتایج عناصر در این نظام	رابطه‌ی متقابل عناصر	آثار و نتایج برای کل نظام
جاندار	- دستگاه عصبی - دستگاه گردش خون - دستگاه گوارش - دستگاه تنفس - و...	- دستگاه‌های دیگر را کنترل می‌کند. - به سلول‌ها غذا و هوا می‌رساند. - غذای لازم را برای سلول‌ها آماده می‌کند. - هوای لازم را برای سوخت و ساز بدن فراهم می‌کند.	- دستگاه گردش خون تحت کنترل دستگاه عصبی، غذا را از دستگاه گوارش و اکسیژن را از تنفسی می‌گیرد و به سلول‌ها می‌رساند.	بقا و حیات موجود زنده

با توجه به آن‌چه گفتیم و فعالیتی که شما انجام دادید، اکنون می‌توان تعریف روشن‌تری از نظام (سیستم) ارائه داد. نظام از مجموعه‌ای از اجزا تشکیل شده است که به یکدیگر پیوسته‌اند؛



یک واحد را تشکیل می‌دهند و تغییر هر یک از آن‌ها بر اجزای دیگر اثر می‌گذارد. در نظام هر جزء اثر و نتیجه‌ای دارد و برای بقای کل و اجزای دیگر کاری انجام می‌دهد.

نظام اجتماعی

فعالیت ۶-۲ مجموعه نقش‌های معلم، دانش‌آموز و مدیر را در نظر بگیرید و به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

۱- وظایف متقابل آن‌ها چیست؟

۲- این مجموعه چه هدفی را دنبال می‌کند؟

۳- با توجه به پاسخ پرسش‌های ذکر شده، آیا می‌توان این مجموعه را نظام نامید؟ چرا؟ شما با پاسخ دادن به این پرسش‌ها، با مفهوم «نظام اجتماعی» آشنا می‌شوید. به مجموعه‌ی نقش‌های اجتماعی متقابل به هم پیوسته که برای تحقق هدفی مشخص پیوند یافته و به صورت یک واحد یک پارچه درآمده‌اند، **نظام اجتماعی** گفته می‌شود.

برای مثال، می‌توان بانک را به منزله‌ی یک نظام اجتماعی در نظر گرفت. این نظام از نقش‌های زیر تشکیل شده است:

— ریاست، معاونت، حسابدار، تحویل‌دار و

فعالیت ۷-۲ یک نظام اجتماعی را مثال بزنید و موارد زیر را در آن بررسی کنید.

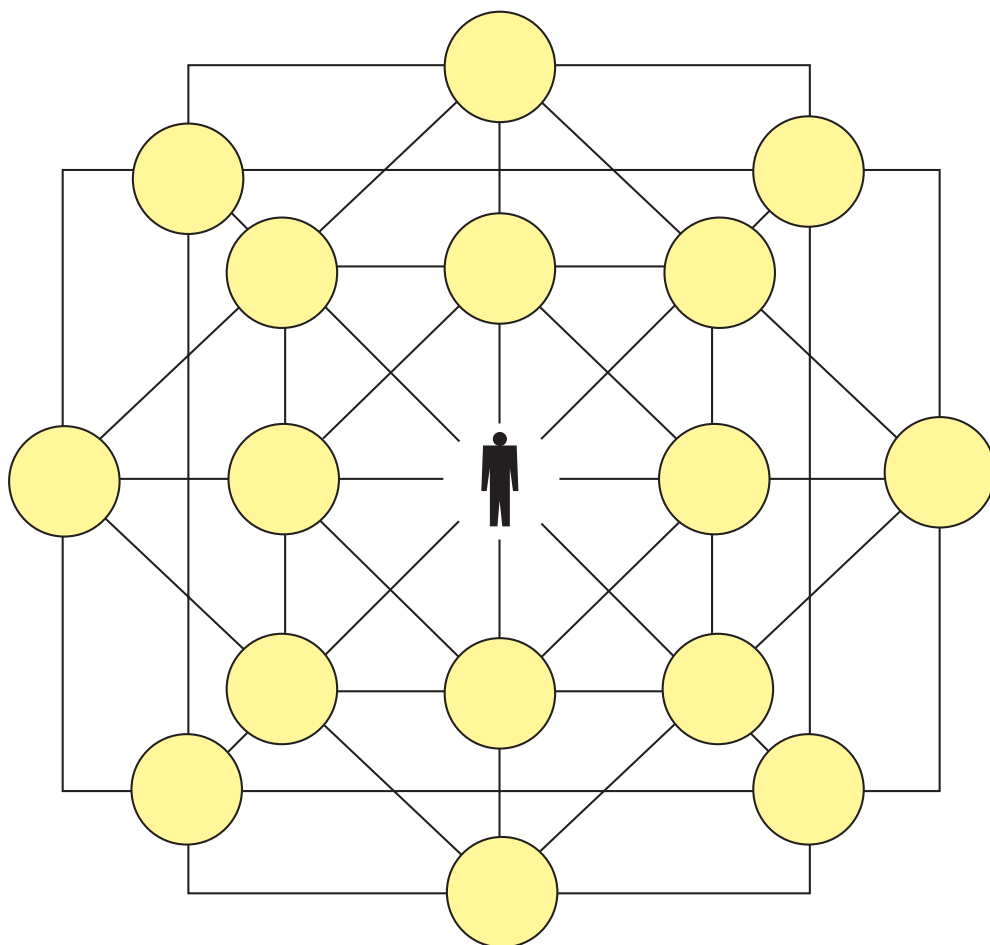
۱- این نظام اجتماعی از چه نقش‌هایی تشکیل شده است؟

۲- هریک از این نقش‌ها چه وظایفی نسبت به یکدیگر دارند؟

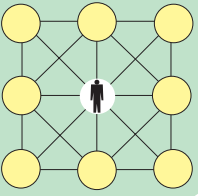
۳- پیوستگی این نقش‌ها چه هدفی را دنبال می‌کند؟

یافته‌های خود را در جدولی مانند جدول زیر تنظیم کنید.

نظام اجتماعی	نقش‌ها	وظایف متقابل	هدف



فرد در درون نظام‌های اجتماعی گوناگون عمل می‌کند، از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد
و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد.



ارتباط نظام‌های اجتماعی با یکدیگر

در فصل گذشته با رابطه‌ی گروه‌ها با هم آشنا شدید. در این فصل، پس از درک مفهوم نظام اجتماعی، با رابطه‌ی نظام‌های اجتماعی با هم و هماهنگی و تعارض آن‌ها با یکدیگر آشنا خواهید شد.

نظام اجتماعی کل

تاکنون باید دریافته باشید که در جامعه نظام‌های اجتماعی متعدد، از کلاس درس گرفته تا مدرسه و خانواده و اداره و غیره وجود دارد. هم‌چنین این مطلب هم باید برایتان روشن شده باشد که بعضی از این نظام‌ها در داخل نظام‌های دیگر قرار می‌گیرند و جزئی از آن‌ها محسوب می‌شوند؛ مثلاً کلاس بخشی از نظام مدرسه و نظام مدرسه بخشی از نظام آموزش و پرورش است. اگر همین سیر را ادامه دهیم، در نهایت به یک نظام اجتماعی می‌رسیم که دربرگیرنده‌ی نظام‌های دیگر است. این نظام اجتماعی را **نظام اجتماعی کل**^۱ می‌گویند که همه‌ی روابط موجود در یک جامعه را دربرمی‌گیرد. به نظام‌هایی که جزئی از نظام‌های اجتماعی بزرگ‌ترند، **خرده‌نظام**^۲ گفته می‌شود. نظام آموزش و پرورش و نظام سیاسی و اقتصادی، خرده نظام‌های نظام اجتماعی کل‌اند و به نوبه‌ی خود خرده نظام‌هایی دارند.

فعالیت ۸-۲ برای هر یک از نظام‌های اجتماعی زیر سه خرده نظام بنویسید:

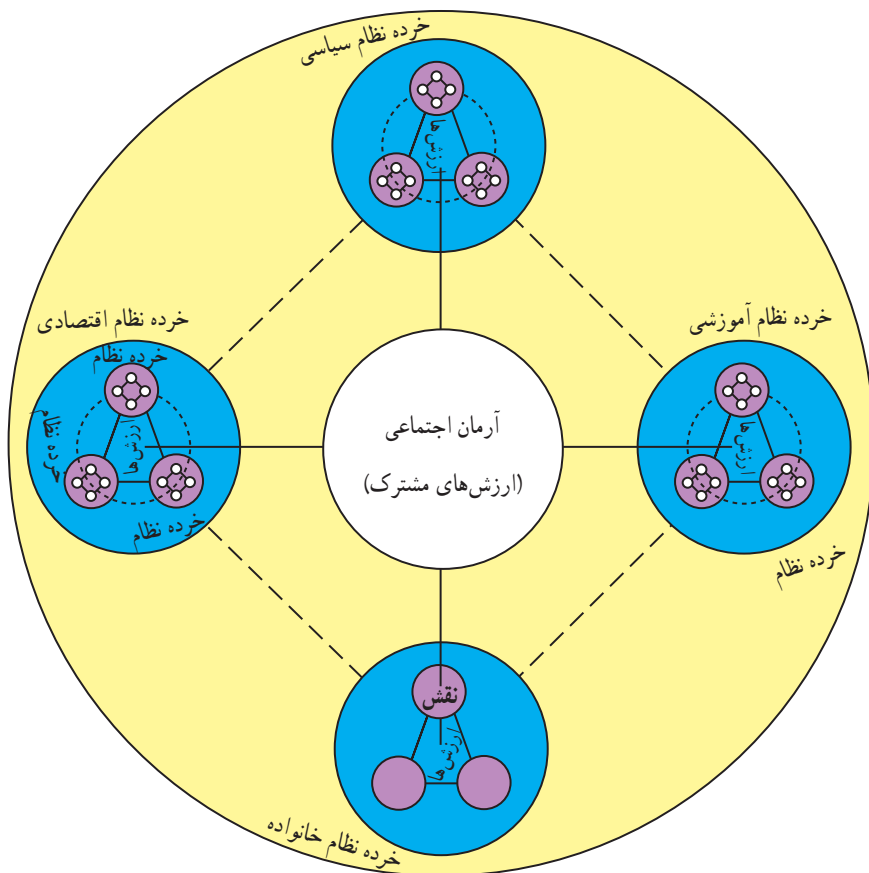
۱- نظام سیاسی

۲- نظام اقتصادی.

به نظر شما، آیا نظام خانواده دارای خرده نظام است؟ چرا؟

هر خرده نظام اجتماعی برای تحقق بخشیدن به اهداف نظام اجتماعی کل یا بقای آن به فعالیت‌هایی دست می‌زند که آثار و نتایج مطلوبی دارد؛ مثلاً یکی از لوازم بقای نظام اجتماعی کل، تأمین نیازهای زیستی افرادی است که در قالب نقش‌ها، وظایف گوناگونی را برعهده

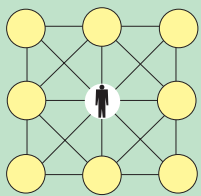
دارند. بعضی از صنایع، مسئول تولید کالاهای مورد نیاز افراد جامعه‌اند. این خرده نظام‌ها به همان ترتیبی که می‌توانند در مسیر تحقق اهداف یا بقای نظام اجتماعی کل تأثیر مطلوب بگذارند، ممکن است نتایج نامطلوب نیز به دنبال داشته باشند. برای نمونه، همان صنایعی که کالاهای مورد نیاز افراد را تولید می‌کنند و از این جهت، در تحقق اهداف یا بقای نظام اجتماعی تأثیر مطلوب دارند، با آلوده ساختن محیط زیست ممکن است آثار نامطلوب و سوئی از خود به جا گذارند.



نظام اجتماعی کل

فعالیت ۹-۲ نظام اداری را در نظر بگیرید و موارد زیر را در آن بررسی کنید :

- ۱- آثار و نتایج مطلوب آن را ذکر کنید.
- ۲- در صورتی که بر نظام اجتماعی کل نیز تأثیرات نامطلوبی دارد، آن‌ها را بنویسید.



هماهنگی و تعادل در نظام اجتماعی کل

ارزشی که خرده نظام‌ها براساس آن شکل گرفته‌اند، جزئی از ارزش‌های نظام اجتماعی کل است. ارزشی که خرده نظام کلاس براساس آن شکل گرفته،

جزئی از همان ارزشی است که نظام مدرسه و نظام آموزش و پرورش براساس آن شکل گرفته‌اند؛ بنابراین، همه‌ی خرده نظام‌های یک نظام اجتماعی کل، ارزش‌های آن نظام را دنبال می‌کنند.

برای مثال، اگر آرمان جامعه‌ای، رسیدن به بیش‌ترین حدّ رشد اقتصادی باشد، باید تمام خرده نظام‌های آن متناسب با این هدف سازمان یابند. در نظام آموزشی باید انضباط، کار زیاد، توقع کم و قانع بودن، رعایت سلسله مراتب، تلاش روزافزون برای افزایش مهارت‌ها و دانستی‌ها به دانش‌آموزان آموخته شود؛ وسایل ارتباط جمعی از پخش فیلم‌ها و برنامه‌هایی که اسراف و مصرف‌گرایی را القا می‌کنند، پرهیزند؛ نظام اداری به گونه‌ای سازمان باید که فقط افراد پرکار و منظم بتوانند در آن‌ها کار کنند. در نظام سیاسی، سیاستمداران زندگی ساده و بی‌آلایشی داشته باشند و برنامه‌هایی که برای اداره‌ی کشور تدوین می‌شود، همه با این هدف تنظیم شده باشند و نظام اقتصادی در تولید و توزیع، متناسب با این هدف عمل کند. در چنین شرایطی، این جامعه می‌تواند هدف خود یعنی رسیدن به بیش‌ترین حدّ رشد اقتصادی را تحقق بخشد.

نمونه‌ی دیگر، جامعه‌ای است که در آن انقلاب شده و در پی تحقق بخشیدن به ارزش‌ها و آرمان جدیدی است. اگر خرده نظام‌های مختلف جامعه ارزش‌هایی مغایر با این آرمان را دنبال کنند و براساس آرمان جدید سازمان داده نشوند، آیا انقلاب در جامعه‌ی یاد شده به اهداف و ارزش‌های خود دست خواهد یافت؟

بنابراین، در صورتی که خرده نظام‌های یک نظام اجتماعی کل براساس ارزش‌های هماهنگ شکل گرفته باشند، یک کلّ منسجم را تشکیل می‌دهند که همه‌ی اجزای آن در یک جهت عمل می‌کنند. این نظام اجتماعی، **نظام اجتماعی متعادل**^۱ خواهد بود.

تعارض و عدم تعادل در نظام اجتماعی کل

اگر ارزش‌های خرده نظام‌های یک نظام اجتماعی کل با یکدیگر یا با ارزش‌های کلی جامعه ناسازگار باشند یا بعدها به سمت ارزش‌های مغایر کشیده شوند، تضاد و تعارض^۲ بر

1 – Social Equilibrium

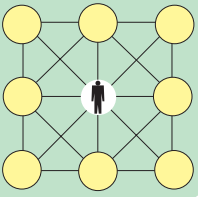
2 – Conflict

بخش‌های مختلف آن جامعه حاکم خواهد شد. در این صورت گفته می‌شود این نظام اجتماعی کل دچار **عدم تعادل** است؛ مثلاً، در یک جامعه‌ی درگیر جنگ، هدف اصلی، پیروزی در جنگ یا دفاع در مقابل تهاجم دشمن است. در چنین حالتی، کار همه‌ی خرده نظام‌ها باید با این هدف تناسب پیدا کند؛ در غیر این صورت، این جامعه در جنگ شکست خواهد خورد. اگر در چنین وضعی که همه‌ی تلاش‌ها در جهت پیروزی در جنگ سازمان یافته است، خرده نظام اقتصادی با هدف کسب بیش‌ترین سود از موقعیت استفاده کند، هدف این خرده نظام با هدف کلی نظام اجتماعی کل نامتناسب است. این عدم تناسب، مانع دستیابی جامعه به هدف خویش خواهد بود.

نمونه‌ی دیگر: جامعه‌ای است که نظام آموزش و پرورش آن بر ارزش‌هایی چون قناعت، نظم، کار زیاد و... تکیه می‌کند و این ارزش‌ها را به افراد می‌آموزد ولی وسایل ارتباط جمعی آن، فیلم‌ها و برنامه‌هایی را پخش می‌کنند که در آن‌ها اسراف و تبذیر ارزش‌هایی مثبت تلقی می‌شوند یا در خانواده‌ها و میهمانی‌ها تشریفات و تجمل به منزله‌ی ارزش‌هایی اساسی مورد تأکید قرار می‌گیرند؛ مسلماً چنین جامعه‌ای دچار تعارض است و آن‌چه یک خرده نظام ایجاد می‌کند، توسط خرده نظام دیگر خنثی می‌شود.

مثال دیگر: فرض کنید آموزش و پرورش، افراد را منظم، وظیفه‌شناس، پرکار و تابع قانون تربیت کند. این افراد باید در خرده نظام‌های دیگر اقتصادی، اداری و... مشغول به کار شوند و هدف از آموزش رسمی هم این است که این افراد بتوانند در این خرده نظام‌ها مفید باشند. این‌گونه افراد اگر بخواهند در اداره‌ای که در آن کم‌کاری و عدم رعایت قانون رویه‌ای معمول است، مشغول به کار و ماندگار شوند، شاید آن‌چه را آموخته‌اند فراموش کنند یا آموخته‌های آن‌ها سبب ایجاد دوگانگی ارزشی و مشکلات دیگری برای آن‌ها شود؛ بدین ترتیب، نتایج نظام آموزشی توسط نظام اداری خنثی می‌شود.

فعالیت ۱۰-۲ فرض کنید دولت در جامعه‌ای با هدف استقلال اقتصادی، تولید داخلی و صنعتگران را تشویق کند ولی در کنار این، به بخش خصوصی اجازه دهد که مصنوعات شبیه به ساخته‌های داخلی با قیمتی ارزان‌تر و کیفیتی بهتر از کشورهای دیگر وارد کند. نتایج این عمل چه خواهد بود؟ در این باره در کلاس گفت‌وگو کنید.



نظام اجتماعی و فرد

پس از بررسی رابطه‌ی نظام‌های اجتماعی، اکنون موقع آن است که درباره‌ی رابطه‌ی فرد و نظام اجتماعی بحث کنیم. به نظر شما فرد در نظام اجتماعی چه موقعیتی دارد؟

نیاز نظام اجتماعی به فرد

با کمی تأمل درباره‌ی نظام اجتماعی، این نکته مشخص می‌شود که اگر افرادی نباشند که در نقش‌های مختلف به الگوهای عمل تحقق بخشند، واقعیتی به عنوان نظام اجتماعی وجود نخواهد داشت. نظام اجتماعی برای بقا و دوام خویش به افرادی نیاز دارد که نقش‌ها و الگوهای عمل تشکیل دهنده‌ی آن را تحقق بخشند.

جامعه‌پذیری

سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است: آیا در جامعه فرد می‌تواند هر نقشی را بر عهده گیرد یا آن را محقق سازد یا باید خصوصیتی داشته باشد تا بتواند آن نقش‌ها را بر عهده گیرد؟

فعالیت ۱۱-۲ نظام مدرسه را در نظر بگیرید؛

بررسی کنید که فرد چه خصوصیتی باید داشته باشد تا بتواند نقش معلمی را بر عهده گیرد. دست کم پنج خصوصیت ذکر کنید.

آیا فرد این خصوصیات را از هنگام تولد به همراه دارد یا با زندگی در اجتماع آن‌ها را کسب می‌کند؟ با پاسخ گفتن به این پرسش، با مفهوم «اجتماع‌پذیری»، یا «جامعه‌پذیری»^۱ آشنا می‌شوید؛ آماده شدن فرد توسط جامعه برای بر عهده گرفتن نقش‌ها را جامعه‌پذیری می‌گویند.

- معلمی که به دانش‌آموزان مطالبی را یاد می‌دهد؛
- مادری که به فرزند خود امر و نهی می‌کند و مثلاً نحوه‌ی غذا خوردن را به او می‌آموزد؛
- واعظی که نحوه‌ی رفتار مناسب در جامعه را متذکر می‌شود؛

— تهیه‌کننده‌ی برنامه‌های رادیو یا تلویزیون که مثلاً در برنامه‌ای به افراد یاد می‌دهد که در خیابان چگونه عمل کنند ؛

— نویسنده‌ای که داستانی می‌نویسد و در ضمن آن، الگوهای عمل خاصی را به خوانندگان کتاب خود می‌آموزد ؛

هر یک از این‌ها، الگوهای عمل خاصی را به فرد یاد می‌دهد و او را برای برعهده گرفتن نقشی آماده می‌سازد ؛ به عبارت دیگر، فرد دارد اجتماعی می‌شود.

فعالیت ۱۲-۲ موارد زیر را بررسی کنید ؛

۱- برای برعهده گرفتن نقش مادری یا پدری، فرد باید کدام هنجارها را یاد بگیرد؟ دست‌کم پنج مورد ذکر کنید.

۲- او الگوهای عمل مربوط به این نقش‌ها را از کجا یا توسط چه افرادی می‌آموزد؟ جامعه افراد را به دو شکل اجتماعی می‌کند :

الف — از طریق درونی کردن ارزش‌ها،

ب — از طریق کنترل اجتماعی (مجازات).

درونی کردن ارزش‌ها: رفتارهایی را که در یک روز انجام می‌دهید، در نظر بگیرید ؛ خواهید دید که بسیاری از این رفتارها مطابق مطلوب نظام اجتماعی‌اند و شما برای انجام آن‌ها احساس اجبار نمی‌کنید بلکه با خشنودی و از روی میل آن‌ها را انجام می‌دهید و در صورتی که آن‌ها را انجام ندهید، خود را سرزنش می‌کنید و از آن‌چه به آن «عذاب وجدان» گفته می‌شود، رنج می‌برید.

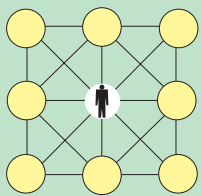
— برخاستن از روی صندلی اتوبوس و جا دادن به افراد مسن

— احترام گذاشتن به معلم و والدین

— و کمک کردن به کوچک‌ترها

از جمله اعمالی‌اند که در صورت انجام ندادن آن‌ها، احساس شرمندگی می‌کنید.

دروغ گفتن، اهانت به دوستان و ستم به زیردستان کارهایی‌اند که اگر آن‌ها را انجام دهید، خود را سرزنش می‌کنید و رنج می‌برید. این‌ها الگوهای عملی‌اند که جامعه به افراد یاد داده است و از آن‌ها می‌خواهد که به آن‌ها عمل کنند. افراد هم هنگام انجام دادن این الگوهای عمل احساس اجبار نمی‌کنند بلکه به‌عنوان امری مطلوب، خواهان انجام دادن آن‌ها می‌ند.



فعالیت ۱۳-۲ مورد زیر را بررسی کنید.

انسان مانند سایر موجودات زنده، دوست دارد زنده بماند و از حیات خویش دفاع کند. او کاری انجام نمی‌دهد که حیات خود را به خطر اندازد اما برای حفظ ارزش‌های انسانی حاضر است جان خویش را به خطر اندازد و این کار را با اشتیاق انجام می‌دهد.

این انگیزه و اشتیاق که حتی با میل زیستی وی در تضاد است، چگونه به وجود آمده است؟ با توجه به آن چه گفتیم، می‌توان نتیجه گرفت:

اموری که ابتدا برای فرد دارای ارزش نیست و فرد به آن‌ها تمایلی ندارد، در طی جامعه‌پذیری اهمیت می‌یابند و به صورت ارزش در می‌آیند؛ این جریان را **درونی کردن ارزش‌ها** می‌گویند.

— کودک از نظر زیستی به غذا نیاز دارد ولی پدر و مادر همراه با رفع نیاز وی، شیوه‌ی خاص غذا خوردن را به او یاد می‌دهند. آن‌ها با پاداش دادن (محبت کردن، گفتن کلمات محبت‌آمیز و...) به آن دسته اعمال کودک که طبق الگوهای مورد تأیید جامعه است، یا تنبیه وی (اخم کردن، قهر کردن و...) برای عمل کردن خارج از آن الگوها، شکل و شیوه‌ی خاصی از غذا خوردن را برای او ارزشمند می‌سازند. این پاداش و تنبیه، مبنای دیگر اشکال درونی کردن ارزش‌ها قرار می‌گیرد.

— مشاهده‌ی فیلمی که در آن رفتاری مشخص با تشویق یا موفقیتی خاص همراه است، موجب می‌شود که فرد آن رفتار را ارزشمند بداند و آن را تقلید کند.

— و...

بنابراین، در جریان اجتماع‌پذیری فرد نسبت به اموری انگیزه پیدا می‌کند و به این شکل، به خدمت نظام اجتماعی در می‌آید و داوطلبانه الگوهای عمل خاصی را محقق می‌سازد.

فعالیت ۱۴-۲ پنج الگوی عملی را که به طور اختیاری به آن‌ها عمل می‌کنید، فهرست کنید و به سؤال زیر پاسخ دهید:

چگونه این الگوهای عمل برای شما مطلوب شده‌اند؟

کنترل اجتماعی: فرد همیشه هرچه را که به او یاد بدهند، فرا نمی‌گیرد؛

— با وجود تلاش بسیار معلمان، دانش‌آموزان بسیاری هستند که الگوهای عمل

یاد داده شده را فرا نمی گیرند.

– با وجود تذکر و سایل ارتباط جمعی، شهروندان بسیاری هستند که قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت نمی کنند.

– با وجود هشدارهای تکان دهنده ی والدین، معلمان و رسانه های جمعی در خصوص عوارض سیگار کشیدن و اعتیاد به مواد مخدر، بعضی از جوانان به دام می افتند و زندگی خود، خانواده و دیگران را تباه می سازند.

در چنین مواردی، افراد را از راه های دیگر به رعایت الگوهای عمل وادار می سازند. در صورتی که فرد الگوهای عمل مشخص جامعه را محقق نسازد، با اجبار جامعه روبه رو خواهد شد که از آن به مجازات یاد می شود.

– سرزنش فرزندان توسط والدین؛

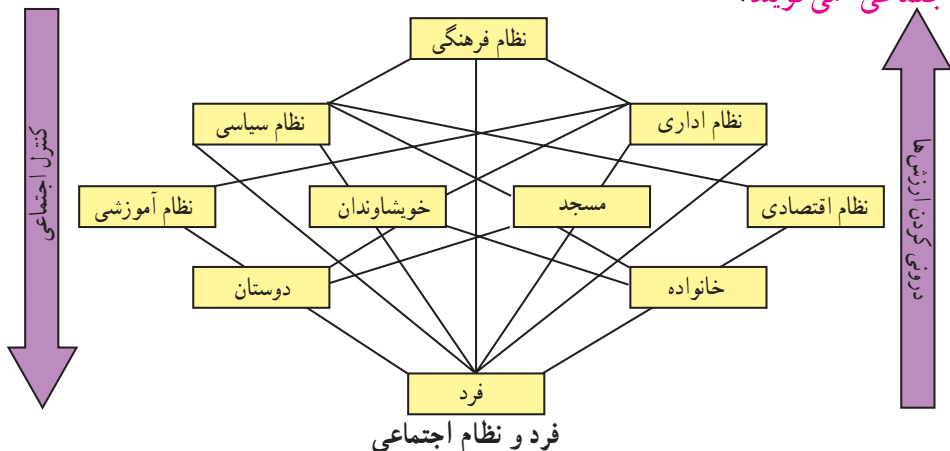
– بی مهری دوستان نسبت به فردی که هنجارهای گروه را رعایت نکرده است؛

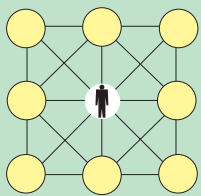
– محکوم شدن مجرم به مجازات زندان؛

مواردی اند که در آن ها جامعه فرد را به دلیل رعایت نکردن هنجارها مجازات می کند. هدف از این مجازات ها، واداشتن فرد به رعایت الگوهای عمل است.

بنابراین، همان طور که گفتیم، جامعه افراد خود را از راه درونی کردن ارزش ها و نیز

اعمال مجازات، اجتماعی می کند. اجتماعی کردن افراد را از طریق اعمال مجازات کنترل اجتماعی^۱ می گویند.





پرسش‌های فصل

- ۱- نقش چه مفهومی دارد؟ رابطه‌ی آن را با هنجار بیان کنید.
- ۲- در جامعه، چه عاملی نقش‌های مختلف را به یکدیگر پیوند می‌دهد؟
- ۳- ویژگی‌های مفهوم «نظام» را بیان کنید.
- ۴- اگر در یک نظام اجتماعی، خرده نظام‌ها با یکدیگر هماهنگی نداشته باشند، چه مسائلی پیش می‌آید؟
- ۵- «جامعه‌پذیری» چیست و با بقای نظام اجتماعی چه رابطه‌ای دارد؟
- ۶- مفهوم «کنترل اجتماعی» چیست؟ رابطه‌ی آن را با جامعه‌پذیری توضیح دهید.
- ۷- مفاهیم «درونی کردن ارزش‌ها» و «کنترل اجتماعی» را مقایسه کنید.
- ۸- مدرسه را به عنوان یک نظام اجتماعی در نظر بگیرید؛ درباره‌ی آن فکر کنید و به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

- الف - در نظام اجتماعی مدرسه چه نقش‌هایی وجود دارند؟
- ب - آثار و نتایج مطلوب این نظام اجتماعی چیست؟
- ۹- یک نظام اجتماعی را در نظر بگیرید و خرده نظام‌های آن را معین کنید.
- ۱۰- نظام اجتماعی متعادل چیست؟ چه عواملی باعث به هم خوردن تعادل نظام اجتماعی می‌شود؟

مروری بر فصل

- ۱- در زندگی اجتماعی برای تأمین نیازهای مختلف افراد، تقسیم کار به وجود آمده و بر اثر تقسیم کار نقش‌هایی مختلف در جامعه شکل گرفته است.
- ۲- نقش عبارت است از جایگاهی که فرد با قرار گرفتن در آن، ملزم به رعایت الگوهای عمل خاصی می‌شود.
- ۳- وظایف یک نقش، مجموعه‌ی رفتارها و الگوهای عملی که از فردی که آن نقش را پذیرفته یا به او نسبت داده شده است، انتظار می‌رود آن‌ها را انجام دهد.
- ۴- به مجموعه‌ی الگوهای عملی که فرد در نقش خاص خود انتظار دارد دیگران نسبت به او انجام دهند، حقوق آن نقش گفته می‌شود.
- ۵- ارزش‌های مشترک افراد در یک گروه یا جامعه، نقش‌های مختلف را به یکدیگر پیوند می‌دهند.
- ۶- به مجموعه‌ی نقش‌های متقابل به هم پیوسته که برای تحقق ارزشی مشخص با هم پیوند یافته و به صورت واحدی یکپارچه درآمده‌اند، «نظام اجتماعی» گفته می‌شود.
- ۷- در یک نظام اجتماعی، خرده نظام‌های مختلف وجود دارند که برای تحقق ارزش‌های (هدف‌های) مشترک نظام اجتماعی جامعه با یکدیگر وحدت یافته‌اند.
- ۸- در یک نظام اجتماعی، هر نقش دارای آثار و نتایجی است.
- ۹- در صورتی که خرده نظام‌های یک نظام اجتماعی کل بر اساس ارزش‌های هماهنگ شکل گرفته باشد، همه‌ی اجزای آن در یک جهت عمل می‌کنند که به آن «نظام اجتماعی متعادل» گفته می‌شود.
- ۱۰- اگر ارزش‌های خرده نظام‌های یک نظام اجتماعی کل با یکدیگر یا با ارزش‌های کلی جامعه ناسازگار باشند، آن نظام اجتماعی کل، دچار عدم تعادل است.
- ۱۱- جامعه از طریق جامعه‌پذیر کردن افراد، صلاحیت لازم را برای ایفای نقش‌های اجتماعی مختلف در آن‌ها به وجود می‌آورد.
- ۱۲- در جریان زندگی اجتماعی، اموری که برای فرد مهم نیست و او به آن‌ها تمایلی ندارد، برای وی مهم می‌شود و به صورت ارزش درمی‌آید. به این جریان، «درونی کردن ارزش‌ها» می‌گویند.
- ۱۳- جامعه، افراد را با اجبار به انجام دادن عمل و تحقق الگوهای عمل وادار می‌سازد. اجتماعی کردن افراد را از طریق اعمال مجازات، «کنترل اجتماعی» می‌گویند.